

پژوهش‌های تاریخی (علمی- پژوهشی)
دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه اصفهان
دوره جدید، سال چهارم، شماره سوم (پیاپی ۱۵)، پاییز ۱۳۹۱، ص ۲۶-۱۳

رقابت سیاسی و تجاری فرانسه و بریتانیا در عمان (۱۸۱۰-۱۷۹۸م/ ۱۱۸۹- ۱۱۷۷هـ. ش)

فرج الله احمدی*

ستاره اسلامی**

چکیده

تصرف مصر در سال ۱۷۹۸ م/ ۱۱۷۷ هـ به دست نیروهای فرانسوی و تهدید شدن متصرفات بریتانیا در شرق، به ویژه هندوستان، از سوی فرانسویان، باعث آغاز دوره‌ای از رقابت بین این دو قدرت اروپایی در شمال آفریقا، اقیانوس هند، خلیج فارس و از جمله، در عمان شد. عمان به دلیل موقعیت جغرافیایی خود در اقیانوس هند و دهانه خلیج فارس، از سویی با شرق آفریقا و جزیره موریس (ایل دوفرانس)، پایگاه فرانسویان در اقیانوس هند، ارتباط داشت و از سوی دیگر، روابط تجاری با غرب هندوستان و مناطق تحت کنترل داشت. همین موقعیت استراتژیک باعث شد تا حکومت انگلیسی هند از یک سو و حاکم فرانسوی جزیره ایل دوفرانس از سوی دیگر، تلاش کنند تا با بهره‌وری از شرایط منطقه و ایجاد و گسترش روابط با سلاطین عمان، از نفوذ رقیب در منطقه جلوگیری کنند. از سال ۱۸۱۰ م/ ۱۱۸۹ هـ به بعد، با افول تهدیدات فرانسه و تصرف مستعمرات این کشور در اقیانوس هند و شرق آفریقا، عمان از دایره رقابت‌های فرانسه و بریتانیا خارج شد. در این نوشتار، چگونگی شکل‌گیری، توسعه و سرانجام این رقابت در منطقه، که انعکاس بخشی از رویارویی‌های بریتانیا و فرانسه در اروپا بود، مورد بررسی قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی

فرانسه، بریتانیا، عمان، مسقط، ایل دوفرانس، اقیانوس هند

* دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تهران (مسئول مکاتبات) fahmadi@ut.ac.ir

** دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه تهران se1349@hotmail.com

مدخل

از زمانی که کمپانی هند شرقی فرانسه در اوت ۱۶۶۴ م/۱۰۴۳ هـ. ش (1: Gaudart, 1935) تأسیس شد، فرانسویان در عرصه تجارت اقیانوس هند و خلیج فارس ظاهر شدند. اولین تماس‌های فرانسویان با بازرگانان عمانی، در حدود سال ۱۶۷۰ م/۱۰۴۹ هـ. ش آغاز شد و عمدتاً تجاری و از طریق نماینده مقیم فرانسه در بصره با بازرگانان مسقط انجام می‌گرفت (Bhacker, 1994: 37). از سال ۱۷۲۱ م/۱۱۰۰ هـ. ش و از زمانی که فرانسویان موفق شدند جزیره موریس (Mauritius) را که در کنترل هلندی‌ها بود، کاملاً به تصرف خود درآورند، این جزیره که فرانسویان نام آن را به ایل دو فرانس (Ile de France) تغییر دادند و نیز جزیره بوربن (Bourbon) در مجاورت ایل دو فرانس، به مهم‌ترین پایگاه‌های فرانسه در شرق و در اقیانوس هند تبدیل شدند (Les Cure, 1864: 31).

ایل دو فرانس در روزگاری که راه تجارت از دماغه امیدنیک می‌گذشت، در حقیقت مرکز ارتباطی بین دماغه امیدنیک تا هندوستان و شرق آفریقا بود. این جزیره در مسیر ارتباطات دریایی بین هند موزامبیک، زنگبار، مسقط، خلیج فارس، هندوستان، جاوه و استرالیا قرار داشت. فرانسویان از ایل دو فرانس کشتی‌های خود را به فیلیپین و هندوچین اعزام می‌کردند و کشتی‌هایی که از چین به غرب اقیانوس هند می‌رفتند، در بندر پورت لویی (مرکز ایل دو فرانس) توقف می‌کردند (Prentout, 1901: 329). از این پایگاه‌ها، فرانسویان قادر به ایجاد روابط با کشورهای منطقه بودند. ارتباط با امام مسقط، یکی از مهم‌ترین اهداف فرانسه و باعث نگرانی شدید انگلیسی‌ها بود. مسقط، بندری مهم در کنار دریای عمان و اقیانوس هند و مشرف به تنگه هرموز بود و یکی از مهم‌ترین راه‌های تجارت با هند محسوب می‌شد (Anonyme, 1863: 209).

انگلیسی‌ها حدود صد سال پیش از فرانسویان در مسقط مستقر شدند و در سال ۱۶۵۰ م/۱۰۲۹ هـ. ش اولین تلاش برای انعقاد تفاهم‌نامه‌ای تجاری بین سلطان بن سیف از خاندان یعاربه و کمپانی هند شرقی صورت گرفت اما این تلاش‌ها به نتیجه نرسید زیرا سلطان بن سیف و جانشینان او تصمیم گرفته بودند به هیچ تبعه اروپایی اجازه تأسیس دفتر تجاری را در مسقط ندهند (Skeet, 1947: 38).

از زمان وقوع جنگ‌های داخلی در عمان (از سال ۱۷۱۹ م/۱۰۹۸ هـ. ش تا ۱۷۲۴ م/۱۱۰۳ هـ. ش) و سقوط خاندان یعاربه، جانشینان آنان، یعنی اعضای خاندان «آل بوسعید» نیز اغلب خود را از درگیری‌های منطقه‌ای دور نگاه می‌داشتند. این در حالی بود که آن‌ها به اروپاییان اجازه تأسیس دفتر تجاری را در خاک مسقط نمی‌دادند. با این حال، با پذیرش یک کارگزار هندی که نماینده حکومت بمبئی بود، برای ارسال کالا و محمولات پستی کمپانی هند شرقی در مسقط، موافقت شده بود. این توافق، در قبال حمل مقدار محدودی نمک به کلکته به وسیله کشتی‌های مسقط حاصل شده بود (IOR/P/3811/33: 33).

دهه ۱۷۴۰ م/۱۱۱۹ هـ. ش قدم‌هایی برای توسعه روابط مسقط و فرانسه برداشته شد و اولین رویارویی‌های فرانسه و بریتانیا در عمان آغاز شد. در سال ۱۷۴۴ م/۱۱۲۳ هـ. ش و هم‌زمان با آغاز حکومت خاندان آل بوسعید، حاکم ایل دو فرانس هدایایی برای سلطان به مسقط فرستاد (Al-Qasimi, 1996: 20). پنج سال بعد، در حدود سال ۱۷۴۹ م/۱۱۲۸ هـ. ش و در زمان حکومت سلطان احمد بن سعید، فرانسویان برای اولین بار سعی کردند به کشتی‌های انگلیسی مستقر در بندر مسقط حمله کنند (Skeet, 1947: 41).

وقوع جنگ‌های هفت ساله (۱۷۶۳-۱۷۵۶ م/۱۱۴۲-۱۱۳۵ هـ. ش) و شکست فرانسویان از بریتانیا، باعث

ش، تالیران به سمت وزیر امور خارجه حکومت دیرکتوار منصوب شد. تالیران همانند ناپلئون اعتقاد داشت که فرانسه برای گسترش نفوذ و قدرت خود و مقابله با رقیب بریتانیایی اش، باید مستعمرات خود را در شرق گسترش دهد. او در گزارشی که در ۱۳ فوریه ۱۷۹۸ م/ ۱۱۷۸ هـ. ش به دیرکتوار ارائه داد، اعلام کرد که گام نخست برای استقرار در شرق، فتح مصر و ایجاد استحکامات در سوئز است و گام بعدی، اعزام نیرو برای کمک به تیپو سلطان جهت مبارزه با انگلیسی‌هاست. ناپلئون نیز در نامه‌ای دیرکتوار را از قصد خود برای تصرف مصر و کمک به شاهزادگان هندی آگاه کرد (احمدی، ۱۳۸۸: ۱۹).

هنگامی که ناپلئون نیروهای خود را از بندر تولون (در جنوب شرقی فرانسه و در دریای مدیترانه) به سوی شرق دریای مدیترانه حرکت داد، این عمل موجب بروز نگرانی در لندن شد. به‌ویژه که خبر اتحاد تیپو سلطان و فرماندار ایل دوفرانس نیز به لندن رسیده بود. هنری دنداس (Henry Dundas)، وزیر جنگ بریتانیا و رئیس هیئت امور هند، با شنیدن این خبر اطمینان حاصل کرد که قصد نیروی دریایی فرانسه از حرکت به سوی شرق دریای مدیترانه، مصر است و هدف نهایی آنان، انجام عملیات علیه منافع بریتانیا در هندوستان است. در ۱۳ ژوئن ۱۷۹۸ م/ ۱۱۷۷ هـ. ش، دنداس، لرد گرانیویل (Lord Grenville)، وزیر امور خارجه بریتانیا را از نگرانی‌های خود آگاه کرد. از نظر او، نیروی دریایی بریتانیا قادر بود سد راه نیروهای فرانسوی در مسیر دریای سرخ به خلیج فارس شود اما امکان پیشروی آنان از مسیر حلب و بین‌النهرین تا خلیج فارس و از آنجا به سوی هند وجود داشت. هنگامی که نیروهای فرانسوی در ۷ سپتامبر ۱۷۹۸ م/ ۱۱۷۷ هـ. ش وارد خاک مصر شدند، دفتر هیئت مدیره کمپانی هند شرقی در لندن، به نخست‌وزیر

تضعیف موقعیت این کشور شد. درگیری اصلی دو کشور در مستعمرات آن‌ها از جمله کانادا، آمریکا و هندوستان بود. اضمحلال امپراتوری مغول در هند، وقوع درگیری‌ها در شبه‌قاره هند و گسترش نفوذ بریتانیا در هند، موقعیت فرانسه را در این منطقه متزلزل کرد و پایگاه‌های فرانسویان، یکی پس از دیگری به تصرف نیروی دریایی بریتانیا درآمد (کلی، ۱۳۷۸: ۲۸). با برآمدن ناپلئون و تلاش برای بسط مستعمرات، مرحله‌ای جدید از رقابت با بریتانیا آغاز شد و این در حالی بود که فرانسه پایگاه مهم ایل دوفرانس را در شرق آفریقا در اختیار داشت.

اهمیت سیاسی و تجاری عمان برای فرانسه و بریتانیا
از اواخر قرن هجدهم، مسقط به یک مرکز مهم تجاری تبدیل شده بود که محموله‌های تجاری از سورات، بهانگر، بمبئی، مالابار، سواحل مکران، سند و پنجاب تا شرق آفریقا به این بندر منتقل و از آنجا به دیگر نقاط حمل می‌شد. از زمان حکومت سلطان بن احمد در سال ۱۷۹۲ م/ ۱۱۷۱ هـ. ش، توسعه تجارت برای حکومت مسقط اهمیت اساسی داشت. به دلیل گسترش تجارت مسقط در شرق آفریقا، سلطان روابط خوبی با فرانسویان برقرار کرده بود. فرانسویان که در تجارت برده در شرق آفریقا فعالیت می‌کردند، باید حقوق گمرکی سلطان مسقط را از این تجارت پرداخت می‌کردند. از سوی دیگر، سلطان مسقط روابط خوبی با حکام هندی در خارج از منطقه تحت کنترل انگلیسی‌ها، به‌ویژه با تیپو سلطان، حاکم میسور، برقرار کرده بود (Bhacker 1994: 34-38).

وقوع انقلاب فرانسه و برآمدن ناپلئون، موجب تشدید رقابت فرانسه با بریتانیا و در نتیجه، تهدید موقعیت بریتانیا در شرق شد. در سپتامبر ۱۷۹۷ م/ ۱۱۷۶ هـ.

کنار بریتانیا قرار می‌گرفت، از واگذاری پایگاه تجاری به فرانسویان و هلندی‌ها خودداری و فرانسویان را از مسقط اخراج می‌کرد (احمدی، ۱۳۸۸: ۲۱). پس از این اقدامات، مقامات انگلیسی هند در بقیه سال ۱۷۹۸ م/۱۱۷۷ هـ. ش، درصدد تقویت بیشتر مواضع خود در خلیج فارس یا کشورهای همجوار آن برنیامدند و منتظر ماندند تا اقدامات جدید ناپلئون را زیر نظر بگیرند (کلی، ۱۳۷۸: ۲۹).

در پایان ماه دسامبر، ناپلئون از سوئز دیدار کرد و دستور داد تا عملیات ساخت ناوگانی جدیدی آغاز شود زیرا او به کارآمدی اسکادران کوچکی که در ایل دوفرانس (موریس) تحت فرماندهی مارکی دو سارسی (Marquis de Sarcy) مستقر بود، چندان اطمینان نداشت. دو فروند از این شناورها در آب‌های شرق دور به سر می‌بردند و سومی نیز در خلیج بنگال مستقر بود، که اندکی بعد به دست انگلیسی‌ها افتاد (کلی، ۱۳۷۸: ۲۹).

ناپلئون در ژانویه ۱۷۹۹ م/دی ۱۱۷۸ هـ. ش به سلطان بن احمد و تیپو سلطان نامه‌هایی فرستاد. او در این نامه‌ها به امام مسقط اطمینان داد که هر کشتی که برای تجارت به شمال دریای سرخ فرستاده شود، با استقبال روبه‌رو خواهد شد و به تیپو سلطان نیز قول داد که در مبارزاتش علیه انگلیسی‌ها او را یاری خواهد کرد. این دو نامه را نماینده کمپانی هند شرقی انگلیس در موکا (شهری بندری در یمن) ضبط و به بمبئی ارسال کرد که در نتیجه، بدبینی‌ها را نسبت به امام مسقط افزایش داد. با ضبط این نامه‌ها آشکار شد که امام هنوز تعدادی فرانسوی در خدمت دارد و با تیپو سلطان نیز از طریق نمایندگی سیاسی میسور در مسقط مکاتبه می‌کند.

از سوی دیگر، والی سلطان در زنگبار، با ناخدا جان بلانکت (John Blanket) فرمانده اسکادرانی که در ژوبیه از انگلستان اعزام شده و در فوریه ۱۷۹۹ م/بهمن ۱۱۷۸ هـ. ش در سر راه خود به دریای سرخ از آن

بریتانیا، ویلیام پیت (William Pitt) اطلاع داد که هدف نیروهای فرانسوی، هندوستان است که در این صورت، تنها منافع کمپانی در خطر نیست بلکه کل منافع بریتانیا در معرض خطری قریب‌الوقوع قرار می‌گیرد (احمدی، ۱۳۸۸: ۱۹). حضور فرانسویان در مصر باعث شد که دولت بریتانیا برای نخستین بار با نگرانی احتمال حمله فرانسو به هندوستان را از ۳ جهت بررسی کند: نخست از شمال غرب هند، دوم از طریق دریا، خلیج فارس یا دریای سرخ و سوم از مسیر ایران و افغانستان. سرانجام بریتانیا بر آن شد که با ادامه روابط سیاسی با عثمانی و ایران، از حمله یک قدرت اروپایی به هند از مسیر این دو کشور و شمال غربی هند جلوگیری و تسلط بر هند را تضمین کند. (احمدی، ۱۳۸۸: ۲۰).

اشغال مصر در سال ۱۷۹۸ م/۱۱۷۷ هـ. ش توسط ارتش فرانسه و طرح‌های نامشخص ناپلئون، مقامات انگلیسی هند را متقاعد کرد که روابط نزدیک‌تری با حاکم مسقط و دیگر حکام خلیج فارس برقرار کنند. به همین منظور در سپتامبر ۱۷۹۸ م/۱۱۷۷ هـ. ش، میرزا مهدی‌علی‌خان، نماینده مقیم کمپانی در بوشهر را به مسقط اعزام کردند. میرزا مهدی‌علی‌خان مأموریت داشت تا موضع سید سلطان را در مقابل فرانسویان دریابد و تلاش کند تا اطمینان سلطان را که نسبت به نماینده کمپانی به علت تحرکات سیاسی او خدشه دار شده بود، جلب کند. به علاوه، مهدی‌علی‌خان باید تلاش می‌کرد در صورت امکان، اجازه تاسیس یک دفتر تجاری بریتانیایی را در مسقط به دست آورد (Lorimer, 1915: 426).

میرزا مهدی‌علی‌خان ده روز پس از ورود به مسقط، یعنی در ۱۲ اکتبر ۱۷۹۸ م/۲۱ مهر ۱۱۷۷ هـ. ش، موفق شد توافقی با سلطان مسقط منعقد کند. طبق این توافقنامه، سلطان مسقط باید در امور بین‌المللی در

با دزدان دریایی، حضور خود را در آب‌های عمان تقویت کردند و به تدریج، عمان پایگاه اصلی آنان شد (Bhacker, 1994: 41).

در سال ۱۸۰۰ م/۱۱۷۹ هـ. ش، کاپیتان جان مالکم (John Malcom)، فرستادهٔ حکومت هند به ایران، در راه برگشت از مکان مأموریت خود، در مسقط توقف کرد و با توجه به کنترل بریتانیا بر تمام بنادر هندوستان، از سورات تا کلکته، به مقامات عمانی این مسئله را گوشزد کرد که منافع عمان در اتحاد با انگلستان است و سلطان را به انعقاد قراردادی جدید با بریتانیا تشویق کرد (Miles, 1919: 293). بدین ترتیب، در ۱۸ ژانویه/۲۹ دی، توافقنامه‌ای جدید بین کاپیتان مالکم و سید سلطان، امضا شد. بند اول این توافقنامه، تأکید بر توافقنامه‌ای بود که به در سال ۱۷۹۹ م/۱۱۷۷ هـ. ش امضای میرزا مهدی‌علی‌خان و سلطان عمان رسیده بود. طبق بند دوم توافقنامه، نماینده‌ای دائم از سوی کمپانی هند شرقی بریتانیا در مسقط ساکن می‌شد. حضور این نماینده در مسقط، برای ایجاد تفاهم در مسائل مورد علاقهٔ طرفین، ضروری بود (Al-Qasimi, 1996: 51-52).

در ژوئن ۱۸۰۱ م/خرداد ۱۱۸۰ هـ. ش، قاهره توسط نیروهای انگلیسی که از اسکندریه به سوی آن پیشروی کردند، سقوط کرد. قوای دیگری که از هند اعزام شده بودند، سوئز را به اشغال درآوردند و تا نیل پیش رفتند و سرانجام به حضور فرانسویان در مصر پایان دادند. پس از شکست ناپلئون در مصر، توجه بریتانیا به امام مسقط کم شد اما زمانی که قواسم حملات خود را در دریا و ساحل آغاز کردند، بریتانیا که اهداف مشترکی با فرمانروایان مسقط داشت، دوباره متوجه آن‌ها شد (Miles, 1919: 48). این در حالی بود که در ۲۵ مارس/اسفند ماه سال بعد (۱۸۰۲ م/۱۱۸۱ هـ. ش)، بین فرانسه و بریتانیا در آمین (Amiens) قرارداد

جزیره دیدن کرده بود، آشکارا رفتاری غیردوستانه در پیش گرفته بود. در آوریل هم توطئه‌ای در بنگال کشف شد که نشان می‌داد برادر زن نواب، حاکم بنگال، با کمک زمان‌شاه، امیر افغانستان، قصد داشته‌اند حکومت انگلیسی‌ها را سرنگون کنند. مکاتبات و نامه‌های مصادره شده هم نشان می‌دادند که تعداد زیادی از افراد برجستهٔ مسقط و از جمله والی شهر، در این توطئه دست داشته‌اند (کلی، ۱۳۷۸: ۳۰-۲۹).

در اواخر بهار ۱۷۹۹ م/۱۱۷۸ هـ. ش، تهدید ارتش فرانسه در مصر از بین رفت و در روز دوم ژانویهٔ همان سال، بین انگلستان و باب‌عالی، پیمانی مبنی بر اخراج فرانسوی‌ها از مصر منعقد شد. در مارس، پیشروی نیروهای ناپلئون به داخل خاک سوریه متوقف شد و در روز ۲۱ مه/۲۴ اردیبهشت، ناپلئون مجبور شد به مصر عقب‌نشینی کند. با این اتفاقات مشخص شد که خطر حملهٔ ناپلئون به هند از طریق بین‌النهرین و دریای سرخ از بین رفته است. در همین زمان، ناخدا جان بلانکت نیز با پنج فروند شناور تحت امر خود بر دریای سرخ تسلط کامل یافت و سوئز را به محاصره درآورد. این در حالی بود که با اشغال جزیرهٔ پریم مقابل باب‌المنذب، در دریای سرخ، توسط نیروهای اعزامی از بمبئی در ماه مه، تنگهٔ باب‌المنذب هم اشغال شده بود. در همان ماه، لرد ولزلی (Lord Wellesley) نیز با یورش و تسلط بر سرینگاپتام، شهری در نزدیک میسور، خطر تیپو سلطان را برطرف کرد (کلی، ۱۳۷۸: ۳۱-۳۲). در هندوستان، علاوه بر میسور، تمام سواحل مالابار به دست انگلیسی‌ها افتاد، یعنی تمام راه‌های سورات تا کلکته. این رخداد بر تجارت مسقط تأثیر مستقیم داشت (Bhacker, 1994: 39). بنابراین، عمان برای حفظ روابط تجاری در هندوستان مجبور به سازش با بریتانیا بود. شرق اقیانوس هند بیش از پیش تحت سلطهٔ بریتانیا قرار گرفت و آن‌ها با ادعای مبارزه

صلحی به امضا رسید که پایانی بر ائتلاف دوم اروپایی‌ها ضد فرانسه بود.

تلاش فرانسه در برقراری روابط سیاسی و تجاری با عمان

در اوایل سال ۱۸۰۳ م/ ۱۱۸۲ هـ. ش، ناوگانی متشکل از هفت فروند شناور جنگی حامل بیست هزار سرباز به فرماندهی ژنرال دکان (Decaen)، حکمران جدید ایل دوفرانس (موریس) و فرمانده کل مستعمرات فرانسه در شرق، از بندر برست (Brest) به مقصد ایل دوفرانس حرکت کرد. به ژنرال دکان دستور داده شده بود تا برای تسلط فرانسه بر دریا‌های شرق، کوشش جدی به عمل آورد و یکی از نقاط مهم که بسیار در مورد آن توصیه شده بود، مسقط بود.

دکان پس از رسیدن به ایل دوفرانس (موریس)، در اوت ۱۸۰۳/مرداد ۱۱۸۲ هـ. ش، نماینده‌ای را به نام دو کاوینیاک (De Cavignac) به مسقط فرستاد تا سلطان بن احمد را تشویق کند که او را به عنوان نماینده مقیم فرانسه در مسقط بپذیرد. کاوینیاک توسط شخص کنسول اول در ۲۰ ژوئن ۳۱/۱۸۰۲ خرداد ۱۱۸۱ هـ. ش منصوب شده بود. پیش از اعزام او و در زمانی که ماگالون (Magallon) فرماندار ایل دوفرانس بود، شیخ علی‌خان، فرستاده امام مسقط، به جزیره سفر کرد. موضوع مأموریت او درخواست دوستی با حکومت فرانسه و تقاضا برای نیرو و مهمات بود. این فرستاده پس از اقامت یک ماهه در جزیره، با تعدادی توپ از انواع مختلف به مسقط بازگشت (Picard, 1910-1911: 328). دکان در نامه‌ای به کاوینیاک مأموریت او را در مسقط این چنین مشخص کرد:

«زمانی که کنسول اول مأموریت مهم شما را در مسقط

ابلاغ کرد، خبر از ارسال نماینده‌ای از جانب امام به جزیره نداشت. مأموریت شما مطمئن کردن امام مسقط از جانب حکومت فرانسه است. باید به او اطمینان دهید که حکومت فرانسه با ارسال نماینده‌ای ویژه، علاقه‌مند است تا بهترین سلام‌ها و بیشترین احترام را از سوی حکومت فرانسه به امام ابلاغ کند و علاقه‌مندی فرانسه را برای برقراری روابط دوستی و تجاری اعلام می‌دارد ... باید به امام درباره حمایت از او در مقابل دزدان دریایی اطمینان خاطر بدهید. علاوه بر این، مأموریت شما جمع‌آوری اطلاعات از محیط و در عین حال، دادن اطلاعات لازم به امام است. به گونه‌ای با امام رفتار کنید که اعتماد او جلب شود و اطلاعات مورد نیاز را در اختیار شما بگذارد. باید اطلاعات کافی از این سرزمین، مردمش، ثروت آن، نیروهای نظامی و روابط تجاری و سیاسی آن با دیگر کشورها به دست آورید».

علاوه بر این، دکان در نامه‌هایی به کاوینیاک توصیه‌ای کرد که اطلاعات خود را درباره روابط تجاری بین مسقط و دیگر کشورها، چه در خلیج فارس و چه با دیگر کشورهای اروپایی جمع‌آوری و برای حکومت فرانسه ارسال کند (Prentout, 1901: 333). هم‌چنین افرادی را به نواحی مختلف - از سواحل هندوستان گرفته تا کناره‌های خلیج فارس - اعزام کند تا اطلاعات مورد نیاز حکومت فرانسه را جمع‌آوری کنند. یکی از افراد همراه کاوینیاک، مهندس آدریان ژرمن (Adrian Germain) بود که نویسنده یکی از مهم‌ترین کتب جغرافیایی درباره سلطان نشین مسقط است. ناپلئون او را به اقیانوس هند اعزام کرد. ژرمن با اقامت در مسقط، موفق شد اطلاعات باارزشی درباره شرایط سیاسی، اجتماعی و مذهبی مردم عمان جمع‌آوری کند (Bulletin, 1868: 339-364). کاوینیاک مأموریت داشت تا اطلاعات خود را مستقیماً

انگلیسی‌ها، همگان را در مسقط قانع کرده بود که عدم پذیرایی از نماینده فرانسه بهترین راه است (Prentout, 1901: 335-339). در هر حال، سلطان از پذیرش کابینیاک به عنوان نماینده مقیم فرانسه به دلیل مغایرت این امر با معاهده‌ای که در سال ۱۷۹۸ م/۱۱۷۷ هـ. ش با انگلستان منعقد شده بود، سرباز زد. سید سلطان در نامه‌ای که برای جناتان دانکن (Jonathan Duncan) در ۱۸ نوامبر ۱۸۰۳ م/۲۸ آبان ۱۱۸۲ هـ. ش به بمبئی فرستاد، درباره حضور نماینده فرانسه در مسقط و درخواست او برای ایجاد دفتری تجاری در آنجا و عدم پذیرش او توضیحاتی ارائه کرد (Saldanha, 1986: 29).

در این زمان، سه سال از هجوم وهابی‌های ساکن نجد به مرزهای خشکی عمان می‌گذشت. علاوه بر این، قواسم ساکن در شارجه و سواحل جنوبی خلیج فارس و اعراب عتوبی در بحرین نیز مشغول نبرد با حاکم مسقط بودند و حکومت انگلیسی هند، تنها نیرویی بود که به زعم سلطان، قادر به یاری رساندن به وی در برابر دشمنان بود. علاوه بر این، روابط تجارتی مسقط عمدتاً با هند بود و جناتان دانکن در همان ماه به سلطان هشدار داده بود که در صورت حضور فرانسویان در مسقط، روابط بین حکومت هند و سلطان عمان قطع خواهد شد. اگر چه مأموریت کابینیاک با شکست مواجه شد، حضور شناورهای فرانسوی در مسقط و بهره‌وری از این بندر برای انبارکردن و حمل و نقل غنایم جنگی ادامه یافت.

رقابت فرانسه و بریتانیا پس از مأموریت کابینیاک (۱۸۰۳-۱۸۱۰ م/۱۱۸۹-۱۱۸۲ هـ. ش)

پس از شکست مأموریت کابینیاک در مسقط، کشتی‌های فرانسوی در آب‌های عمان به حرکت و

برای وزیر امور خارجه و وزیر مستعمرات ارسال کند و اگر موفق به این کار نمی‌شد، مراسلات خود را باید برای کنسول فرانسه در بصره و اگر مصلحت می‌دانست، برای نماینده حکومت در ایل دوفرانس می‌فرستاد (Prentout, 1901:334). کابینیاک با کشتی آتالانتا (Atalanta) در ۱۴ سپتامبر ۱۸۰۳ م/۲۴ شهریور ۱۱۸۲ هـ. ش، از پورت لویی، مرکز ایل دوفرانس، به سوی مسقط حرکت کرد و این کار، درست زمانی بود که پس از اتحاد سوم اروپایی علیه ناپلئون در سال ۱۸۰۳ م/۱۱۸۲ هـ. ش، بین بریتانیا و فرانسه جنگی جدید آغاز شده بود.

در روز ۳ اکتبر/۱۲ مهر، کابینیاک به بندر مسقط رسید ولی امام در شهر نبود و به صحار رفته بود که تا مسقط، چهار روز فاصله داشت. هیئت فرانسوی هشت روز در انتظار باقی ماند. امام هنگامی که به مسقط بازگشت، از تیرگی روابط بین انگلیس و فرانسه آگاه بود و دیگر آماده پذیرفتن نماینده‌ای که پیش از آن برای اعزام او آنقدر اصرار داشت، نبود. امام از عکس‌العمل انگلیسی‌ها می‌ترسید، به خصوص که در آن زمان، تعدادی از کشتی‌های تجاری عمانی در بنادر هندوستان و عمدتاً در بمبئی لنگر انداخته بودند. حاکم نظامی شهر در غیبت امام، فردی موسوم به سیف محمد و عموی سلطان بود که از طرفداران انگلیسی‌ها در دربار امام به شمار می‌رفت. در مسقط، تنها حامی فرانسویان شیخ علی‌خان، نماینده سابق مسقط در ایل دوفرانس در زمان ماگالون بود. شیخ علی‌خان فردی بود که در سپاه تیپو سلطان علیه انگلیسی‌ها جنگیده بود. هنگامی که امام به شهر بازگشت، با بزرگان عرب و بازرگانان هندو درباره پذیرفتن نماینده فرانسه مشورت کرد. شیخ علی‌خان به ملاقات کابینیاک در کشتی رفت و درباره نوع مأموریت او که سیاسی است یا صرفاً تجاری، سؤال کرد. نگرانی از عکس‌العمل

کمپانی هند شرقی انگلیس باعث شد تا کشتی‌های انگلیسی مستقیماً با آنان درگیر شوند. از این زمان به بعد، انگلیسی‌ها برای مقابله با قواسم و حفاظت از تجارت خود در خلیج فارس، مجبور شدند مستقیماً در مسائل خلیج فارس دخالت کنند و به تدریج، جایگاه امامان مسقط را در خلیج فارس از آن خود کردند (Bhacker, 1994: 46-47).

در اوایل حکومت سعید بن سلطان در سال ۱۸۰۶ م/۱۱۸۵ هـ. ش، درگیری‌هایی بین کشتی‌های فرانسوی و انگلیسی رخ داد و انگلیسی‌ها یک فروند کشتی فرانسوی موسوم به لاویژیلانس (La Vigilance) را ضبط کردند که این حرکت، باعث نگرانی سلطان مسقط شد. او اعتراض خود را به دانکن اعلام کرد و این اقدام را نقض بی‌طرفی عمان دانست. با وجود موضع‌گیری امام در قبال این اقدام انگلیسی‌ها، یک فروند کشتی فرانسوی محموله‌های هشت فروند جهازات مسقطی را ضبط کرد. سعید بن سلطان مجبور شد وکیل به ایل دوفرانس (موریس) بفرستد و از ژنرال دکان درخواست کند کشتی‌ها را پس بدهد. سعید بن سلطان در عین حال نماینده‌ای را نیز به نزد دانکن فرستاد و به این رفتار انگلیسی‌ها که باعث بی‌حیثیتی او و بندرش شده بود، اعتراض کرد. سلطان که در بین درگیری‌های این دو کشور گرفتار شده بود، پیشنهادهایی برای همکاری به دانکن داد. از جمله پیشنهادهای وی آن بود که تعدادی ناو انگلیسی، کشتی‌های عمانی را همراهی کنند و در قبال آن، عمان اجازه دهد که یک رزم ناو انگلیسی به صورت دائمی در مسقط لنگر اندازد.

سعید بن سلطان متوجه شده بود که داشتن روابط تجاری با هندوستان، منافع بیشتری نسبت به تجارت با شرق آفریقا دارد و بنابراین، توسعه روابط با انگلیسی‌ها برای وی در اولویت بود. علاوه بر این، حملات پی در

گشت‌زنی و مصادره کشتی‌های انگلیسی ادامه دادند. کشتی فرانسوی لافورتون (La fortune) که مجهز به ۲۴ قبضه توپ بود، از اول سپتامبر تا نوامبر ۱۸۰۳ م/۱۱۸۲ هـ. ش، پیش از آنکه در آخر این ماه مورد حمله توپخانه‌ای ناو سلطنتی کنکورد (Concord) قرار گیرد، در آب‌های خلیج فارس به گشت‌زنی می‌پرداخت. این کشتی در این مدت، چهار فروند کشتی، از جمله کشتی مسلح دو دکلی به نام «فلائی» (Fly) متعلق به کمپانی هند شرقی انگلیس را به تصرف درآورده بود.

حکومت بمبئی از اینکه بندر مسقط مورد استفاده شناورهای فرانسوی قرار می‌گرفت ناراضی بود؛ با وجود این، در توافقنامه سال ۱۷۹۸ م/۱۱۷۷ هـ. ش اشاره نشده بود که کشتی‌های فرانسوی نمی‌توانند جهت تهیه خوار و بار و آب به مسقط تردد کنند و سلطان بن احمد نیز در دیدار با یکی از مقامات رسمی بمبئی در اوایل می ۱۸۰۰ م/اواسط اردیبهشت ۱۱۷۹ هـ. ش، این نکته را متذکر شده بود که او به فرانسویان اجازه اقامت در مسقط را نمی‌دهد، ولی خود را مختار می‌داند که با آنان روابط تجاری داشته باشد. پس از مرگ سلطان بن احمد در نوامبر ۱۸۰۴ م/آبان ۱۱۸۳ هـ. ش، انگلیسی‌ها از جانشین او، بدر بن سیف، نیز درخواست کردند تا توافقنامه ۱۷۹۸ م/۱۱۷۷ هـ. ش را تأیید کند. پس از کشته شدن بدر، دوباره انگلیسی‌ها با مسئله ارتباط مسقط و فرانسویان مواجه شدند. حاکم جدید مسقط به نام سعید بن سلطان، یکی از پسران سلطان بن احمد بود.

در سال ۱۸۰۴ م/۱۱۸۳ هـ. ش اقامتگاه مأمور بریتانیا در بصره مورد حمله قواسم قرار گرفت. در فوریه ۱۸۰۵ م/بهمن ۱۱۸۴ هـ. ش، قواسم، قشم، هرموز و بندرعباس را تصرف کردند و در نتیجه بر تنگه هرموز تسلط یافتند. حملات مکرر آنان به کشتی‌های متعلق به

فرانسوی را از سرزمین‌های تحت کنترل امیر وهابی بگیرد (Bhacker, 1994: 56).

در ۱۵ ژوئن ۱۸۰۷ م/ ۱۷ خرداد ۱۱۸۶ ه. ش، دکان، نماینده امپراتور فرانسه، در جزیره ایل دوفرانس (مورس) یک کنوانسیون بازرگانی موسوم به «قرارداد صلح دائمی» با سلطان مسقط به امضا رساند. در این قرارداد هر دو طرف مزایایی در تجارت و دریانوردی در کشورهای یکدیگر به دست آوردند. هر چند این قرارداد، هرگز در پاریس به تصویب نرسید اما فرانسویان به گونه‌ای رفتار می‌کردند که گویی این قرارداد به تصویب رسیده است (De Clerc, 1864: 201). این عهدنامه که در ۱۹ ماده تنظیم شد، بین امپراتور فرانسه و جانشینان او از یکسو و امام مسقط و جانشینان وی از سوی دیگر منعقد شده بود. در این عهدنامه به صلح دائم بین دو کشور اشاره شده بود. در یکی از مواد این عهدنامه، به فرانسویان اجازه داده شده بود که در تمام منطقه تحت کنترل سلطان، زمین یا خانه بخرند و مقامات عمانی حق ورود به این مکان‌ها را نداشتند. چند ماده دیگر از این معاهده، به حقوق فردی طرفین و حقوق گمرکی و قوانین مربوط به تجارت آزاد اختصاص داشت. در ماده چهارده این عهدنامه توافق شده بود که در صورت ورود فرانسه یا عمان به جنگ با کشوری ثالث، به سپاهیان دو طرف اجازه عبور از سرزمین‌های یکدیگر داده شود (Guillain, 1856: 459-464).

بریتانیا درحالی که نگران تحرکات و تهدیدات فرانسه بود، کاپیتان ستون (Seton) را که در سال ۱۸۰۳ م/ ۱۱۸۲ ه. ش مسقط را ترک کرده بود، دوباره به آنجا اعزام کرد تا سلطان سعید را قانع کند که همکاری با فرانسویان را قطع کند و تجهیزات مورد نیاز فرانسویان را به ایل دوفرانس ارسال نکند. بنابراین، این بار انگلیسی‌ها علاقه‌مند به خروج مسقط از حالت بی‌طرفی بودند. زمانی که در ژوئیه

پی قواسم و وهابی‌ها به عمان نیز زمینه را برای گرایش بیش از پیش سلطان به حفظ روابط با حکومت انگلیسی هند فراهم می‌کرد. این در حالی بود که اهمیت عمان در رقابت بریتانیا و فرانسه تنزل می‌یافت، به ویژه پس از ۱۶ ژانویه ۱۸۰۶ م/ ۲۷ دی ۱۱۸۵ ه. ش یعنی زمانی که انگلستان دماغه امیدنیک را که طبق معاهده آمین به هلند واگذار کرده بود، دوباره به اشغال خود درآورد. با اشغال این منطقه، فرانسویان دیگر قادر به انجام عملیات نظامی علیه متصرفات انگلیسی‌ها در هندوستان نبودند. (Prentout, 1901: 413) از آن پس، در سال ۱۸۰۷ م/ ۱۱۸۶ ه. ش، حکمران کل هند به سید سعید اطلاع داد که بهتر است موضعی بی‌طرفانه اتخاذ کند و بکوشد تا روابط دوستانه‌اش را با فرانسه تجدید کند. این عمل حکومت هند به این معنی بود که دیگر مسقط در رقابت‌های بین انگلستان و فرانسه نقشی مهم و تأثیرگذار ندارد (Bhacker, 1994: 54-55).

در اوت ۱۸۰۷ م/ مرداد ۱۱۸۶ ه. ش، فرانسه با انعقاد معاهده فین‌کن‌اشتاین (Finkenstein) با ایران، حساسیت بریتانیا را نسبت به توسعه‌طلبی ناپلئون در شرق برانگیخت. بر اساس این معاهده، فرانسه حاکمیت ایران را بر گرجستان به رسمیت می‌شناخت و در مقابل، ایران به فرانسه اجازه می‌داد تا برای رسیدن به اهدافش در منطقه اقیانوس هند، از چند جزیره در خلیج فارس استفاده کند. این قرارداد در اصل، علیه روسیه بسته شده بود ولی انگلستان می‌دانست هدف اصلی ناپلئون، حمله به هندوستان است. از سوی دیگر، ناپلئون سعی داشت تا با انعقاد معاهده اتحاد با عثمانی از ورود نیروهای عثمانی به بین‌النهرین جلوگیری کند. هم‌چنین در این زمان، نماینده‌ای برای مذاکره با امیر وهابی به دریا فرستاد تا همکاری او را برای مقابله با نیروهای انگلیسی به دست آورد و اجازه عبور نیروهای

بریتانیا متحد کرد و با استقرار نیروهای خود در بصره و دهانه خلیج فارس و تنگه هرموز و مسدود کردن راه‌های زمینی و دریایی، آماده نبرد نهایی با فرانسویان در اقیانوس هند شد.

امام مسقط تا ۱۸۰۹ م / ۱۱۸۸ هـ. ش سعی داشت رابطه دوستانه خود را با هر دو قدرت اروپایی حفظ کند زیرا برای او حفظ رابطه تجاری با ایل دوفرانس به همان اندازه اهمیت داشت که تجارت با هندوستان و مالابار. البته زمانی که بین ایران و فرانسه عهدنامه اتحاد منعقد شد و ژنرال گاردان (General Gardane) وارد ایران شد، امام بیشتر متمایل بود تا روابط خود را با فرانسویان گسترش دهد اما شکست مأموریت گاردان و حضور نماینده بریتانیا در دربار ایران و وجود ناوگان انگلیسی در سواحل خلیج فارس، امام را متقاعد کرد که اتحاد با انگلستان منافع بیشتری برای او و کشورش دارد (Prentout, 1901: 515-516).

در این سال، حکومت بمبئی برای سرکوب قواسم در سواحل عمان، نیروهایی را به سرپرستی کلنل اسمیت (Colonel L. Smith) اعزام کرد. البته در این زمان، حکومت انگلیسی هند خواستار درگیر شدن در امور داخلی منطقه نبود، به همین دلیل در برخورد با قواسم از شدت عمل خودداری می‌کرد. از سوی دیگر، کلنل اسمیت نماینده‌ای به نزد امیر سعود، امیر وهابی نجد، اعزام کرد و خواستار ایجاد روابط تجاری با وی شد (Kumar, 1965: 16-17).

در سال ۱۸۰۹ م / ۱۱۸۸ هـ. ش، هنگامی که دکان از مأموریت خود در پاریس به جزیره ایل دوفرانس بازگشت، به جز باتاویا (Batavia) (از متصرفات قبلی هلند در جنوب شرقی آفریقا) متحد دیگری نداشت. در سال ۱۸۰۸ م / ۱۱۸۷ هـ. ش و برای مدتی کوتاه، توجه ناپلئون به ایل دوفرانس جلب شد و تصمیم گرفت با اعزام چند کشتی، تا حدودی مشکلات ژنرال دکان را

۱۸۰۷ م / تیر ۱۱۸۶ هـ. ش، فرانسه با انعقاد معاهده تیلست با روسیه، ایران را به فراموشی سپرد، درگیری‌های بریتانیا با فرانسویان هنوز در اقیانوس هند ادامه داشت. در چنین شرایطی بود که حفظ رابطه با عمان برای بریتانیا از اهمیت خاصی برخوردار شد (Bhacker, 1994:56).

لرد میتو در سال ۱۸۰۷ م / ۱۱۸۶ هـ. ش، به حکومت هند انگلیس منصوب شد. با توجه به این که با انعقاد عهدنامه تیلست، بین فرانسه و روسیه صلح برقرار شده بود، بریتانیا نگران بود که در صورت اتحاد بین این دو کشور و ایران، مرزهای شمال شرقی هندوستان مورد تهدید قرار گیرد. با توجه به این رویدادها، لرد میتو به محض استقرار در هند، تصمیم گرفت با تصرف جزایر بوربون و ایل دوفرانس در اقیانوس هند، برای همیشه خطر فرانسویان را از هند و از سوی اقیانوس هند مرتفع سازد. میتو در نامه‌هایی که برای ریاست کمپانی هند شرقی می‌نوشت، ضرورت تصرف ایل دوفرانس و نابودی این پایگاه فرانسویان را گوشزد می‌کرد (Prentout, 1901: 513).

از سال ۱۸۰۴ م / ۱۱۸۳ هـ. ش، دو ناو جنگی انگلیسی تمام تحرکات در جزایر ایل دوفرانس و بوربون را تحت نظر داشتند. دماغه امپدینیک که از اهمیت استراتژیک در اقیانوس هند برخوردار بود، در سال ۱۸۰۶ م / ۱۱۸۵ هـ. ش به تصرف انگلیسی‌ها درآمد. مستعمرات پرتغالی‌ها در هندوستان نیز یکی پس از دیگری توسط انگلیسی‌ها اشغال شدند. از سوی دیگر، عهدنامه تیلست باعث شده بود تا دولت ایران، که طبق عهدنامه فین‌کن‌اشتاین با فرانسه متحد شده بود، دلسرد و بار دیگر به سوی انگلستان متمایل شود.

برخلاف ناپلئون که با از دست دادن متحدان خود در شرق، از جمله ایران، بزرگ‌ترین اشتباه خود را مرتکب شد، لرد میتو با اجرای سیاستی ماهرانه منطقه وسیعی از دریای خزر تا سند و فرات و خلیج فارس را با

تصمیم قطعی به اشغال ایل دوفرانس گرفت. عملیات نظامی برای تسخیر این جزیره از اواسط سپتامبر آغاز شد و تا پایان اوت، نیروهای انگلیسی که از هند اعزام شده بودند در جزیره رودریگ مستقر و برای حمله به ایل دوفرانس آماده شدند. در سوم دسامبر ۱۸۱۰ م/۱۳ آذر ۱۱۸۹ هـ. ش، ایل دوفرانس به تصرف نیروهای انگلیسی درآمد. تصرف ایل دوفرانس به دست نیروهای انگلیسی، نقطه پایانی بر حضور فرانسویان در اقیانوس هند و منطقه خلیج فارس در این مقطع زمانی بود (Kumar, 1965: 592).

البته اشغال این جزایر را نمی‌توان فقط به علت قدرت نیروی دریایی بریتانیا دانست بلکه این جزایر در حقیقت، از سوی حکومت مرکزی فرانسه به حال خود رها شده بودند. ناپلئون به قدری درگیر مشکلات اروپایی خود شده بود که دیگر نمی‌توانست به متصرفات خود در اقیانوس هند توجه کند و با وجود تلاش برای حفظ آنان و ارسال نیرو و مهمات به این مناطق، در نهایت به دلیل گرفتاری در جنگ‌های اروپایی موفق به این کار نشد و این مناطق به تصرف بریتانیا درآمد (Prentout, 1901: 527-532).

اشغال جزایر فرانسه در اقیانوس هند توسط بریتانیا سبب شد تا برای دوره‌ای، فرانسویان از صحنه سیاست شرق دور شوند. البته در سال ۱۸۱۵ م/۱۱۹۴ هـ. ش و با شکست ناپلئون، جزیره بورین بار دیگر به فرانسه باز پس داده شد ولی در آن زمان، فرانسویان دیگر خطری برای بریتانیا و منافع آن محسوب نمی‌شدند. در هر حال، عدم حضور فرانسویان در مسائل عمان و خلیج فارس و گسترش سلطه و قدرت بریتانیا در خلیج فارس، باعث تنزل اهمیت سیاسی و تجاری عمان در سیاست‌های منطقه‌ای فرانسویان شد.

که بدون پول و سپاه و مهمات مانده بود، برطرف کند. به همین منظور در نوامبر ۱۸۰۸ م/آبان ۱۱۸۷ هـ. ش، کشتی ونوس (Venus) را به ایل دوفرانس اعزام کرد. در مارس ۱۸۰۹ م/اسفند ۱۱۸۸ هـ. ش، این کشتی به مقصد رسید ولی در همان روزها با شروع جنگ با اتریش، بار دیگر ناپلئون مجبور شد متوجه رقیبان اروپایی خود شود و به ژنرال دکان اجازه دهد تا در امور دریایی و مستعمرات، شخصاً تصمیم‌گیری کند. در ۱۴ ژوئن ۱۸۰۹ م/خرداد ۱۱۸۸ هـ. ش، ژنرال دکان نامه‌هایی مبنی بر اوضاع بسیار وخیم جزایر به پاریس ارسال کرد (Kumar, 1965: 522). از سال ۱۸۰۸ م/۱۱۸۷ هـ. ش، کشتی‌های انگلیسی جزیره ایل دوفرانس را محاصره کردند و از وصول مواد لازم به جزیره جلوگیری کردند. با وجود این، انگلیسی‌ها این محاصره را ناکافی ارزیابی می‌کردند. در مه ۱۸۰۹ م/اردیبهشت ۱۱۸۸ هـ. ش، نیروهای اعزامی از بمبئی موفق شدند جزیره رودریگ Rodrigue (از متصرفات قبلی پرتغال در نزدیکی ایل دوفرانس) را اشغال کنند و بدین ترتیب، محاصره ایل دوفرانس و بوربن را کامل کردند. در فاصله اوت ۱۸۰۹ م/مرداد ۱۱۸۸ هـ. ش تا ۸ ژوئیه ۱۸۱۰ م/۱۸ تیر ۱۱۸۹ هـ. ش، جزایر فرانسوی واقع در جنوب شرقی آفریقا و اقیانوس هند که مهم‌ترین آنها جزیره بوربون بود، یکی پس از دیگری به اشغال نیروی دریایی بریتانیا درآمد و محاصره ایل دوفرانس هر روز تنگ‌تر شد (Kumar, 1965: 588).

در سال ۱۸۱۰ م/۱۱۸۹ هـ. ش، هلند به فرانسه الحاق شد. در نتیجه این الحاق، تمام متصرفات هلند در اقیانوس هند، از جمله باتاویا نیز به فرانسه تعلق گرفت. در این زمان، ناپلئون به فکر نجات ایل دوفرانس و باتاویا افتاد. پس از الحاق مستعمرات هلند به فرانسه، حکومت انگلیسی هند و در رأس آن‌ها لرد میتو،

نتیجه

از نظر موقعیت تجاری و اقتصادی و استراتژیک، اهمیتی هم‌سنگ مستعمره انگلیس، هند، داشته باشد. علاوه بر این، عدم شناخت کافی فرانسه از منطقه و نیز سیاست فعال منطقه‌ای دولت‌های هند و لندن، بریتانیا را در عمان در موقعیتی برتر قرار می‌داد. اهداف چندگانه ناپلئون و نیز درگیری وی در جنگ‌های اروپا، از تمرکز پایدار فرانسه در تعقیب سیاست‌های اولیه می‌کاست. این عوامل، به اضافه بهره‌وری بریتانیا از تجارت دریایی در شرق که در سایه نیروی دریایی قدرتمند این کشور حاصل شد و به نوبه خود در درهم شکستن سیستم قاره‌ای ناپلئون موثر بود، شکست سیاست‌های فرانسه را در اقیانوس هند و در عمان به دنبال داشت.

منابع

- احمدی، فرج‌الله (پاییز ۱۳۸۸) تهدیدات فرانسه و طرح سرجان مالکوم برای تصرف خارک (۱۷۹۸-۱۸۰۹ م)، پژوهش‌های علوم تاریخی، سال یکم، شماره یکم. ۱۷-۴۰.
- کلی، جی. بی (۱۳۷۸) لشکرکشی ناپلئون به مصر و رقابت فرانسه و انگلیس در ایران ۱۷۹۸-۱۸۱۴ م، حسن زنگنه، تهران: نشر همسایه.
- Prentout, H (1901) L'Ile de France sous Decaen, 1803-1810 : essai sur la politique coloniale du premier Empire et la rivalité de la France et de l'Angleterre dans les Indes orientales.
- Guillain, Ch (1856) Documents sur l'histoire, la géographie et le commerce de l'Afrique orientale.
- Anonyme (1863) Notice historique, géographique et religieuse sur l'île Bourbon ou de la Réunion.
- Decaen, Ch (2001) Mémoires et journaux du général Decaen. Tome second, 1800-1803: armée du Rhin,

در زمان جنگ‌های ناپلئونی به تبع رویارویی فرانسه و بریتانیا در اروپا و گسترش دامنه این رویارویی در شرق، عمان عرصه رقابت سیاسی و تجاری فرانسه و بریتانیا شد. این رقابت‌ها از سال‌های ۱۷۹۸ تا ۱۸۱۰ م/۱۱۷۷-۱۱۸۹ ه. ش، در سه مرحله ادامه یافت: در مرحله نخست حمله ناپلئون به مصر در سال ۱۷۹۸ م/۱۱۷۷ ه. ش، واکنش بریتانیا را از طریق توسعه روابط با کشورهای منطقه از جمله عمان در پی داشت. امضای معاهده آمین بین بریتانیا و فرانسه در ۲۵ مارس ۱۸۰۲ م/۶ فروردین ۱۱۸۱ ه. ش، خاتمه رقابت این دو کشور به مدتی کوتاه بود. دور جدید رقابت از سال ۱۸۰۳ م/۱۱۸۲ ه. ش، با اعزام کاپیتان کاپیناک به مسقط از سوی دکان، فرماندار ایل دوفرانس، آغاز شد. تلاش برای گسترش روابط با امام مسقط و درگیری بین کشتی‌های تجاری فرانسوی و انگلیسی در مسیر ایل دوفرانس به مسقط، چهارچوب کلی این دوره از رویارویی را ترسیم کرد که با اشغال دماغه امبدنیک در ۱۶ ژانویه ۱۸۰۶ م/۲۷ دی ۱۱۸۵ ه. ش از سوی بریتانیا خاتمه یافت. مرحله سوم این رویارویی در سال ۱۸۰۷ م/۱۱۸۶ ه. ش با انعقاد معاهده فین‌کن‌اشتاین بین فرانسه و ایران آغاز شد که در پی آن، بریتانیا مصمم به پایان بخشیدن به حضور فرانسویان در خلیج فارس و اقیانوس هند شد. این کشور با اشغال جزایر فرانسوی واقع در اقیانوس هند در سال ۱۸۱۰ م/۱۱۸۹ ه. ش، به حضور تهدیدآمیز فرانسه در منطقه خاتمه داد. از آن پس بود که عمان جایگاه خود را در سیاست‌های منطقه‌ای فرانسه از دست داد.

در طول دوره مورد بحث نه تنها نیروی دریایی فرانسه حضوری فعال در اقیانوس هند و عمان نداشت بلکه مهم‌ترین پایگاه فرانسویان، ایل دوفرانس، نمی‌توانست

- Bonaparte et Decaen, départ pour l'Inde.
- Bhacker , M.Red (1994) Trade and Empire in Muscat and Zinzebar. The root of British domination , Routledge , London- NewYork .
 - Bulletin de la Société de la géographie de Paris ; octobre 1868
 - IOR/P/3811/33, Seton to Bombay, 9 July, 1802.
 - De Clerc (1864) Récueil des Traités de la France, Vol 1.
- Mémoires et journaux du général Decaen (1910-1911) publiés par Ernest Picard, et Victor Paulier, -Plon-Nourrit et Cie, Paris.
- Miles, S.B (1919) Countries and Tribes of the Persian Gulf, Vol 2, Harrison and Sons , London.
 - Saldanha , J.A. (1986) The Persian Gulf précis , volume II , précis of Correspondence Regarding the affairs of the Persian Gulf. 1801 – 1853, Calcutta: Office of the Superintendent of Government printing, India. 1906. Archive Editions.
 - Lorimer , J.G. (1915) Gazette of the Persian Gulf. Oman and Central Arabia, Calcutta.
 - Gaudart, E (1935) Les Privileges du Commerce Francais dans l'Inde , Les Paravanas du Grand Mongol, Pondichery.
 - Les Cure, N.M (1864) Precis historique sur Les etablissements francais dans l'Inde , Pondichery.
 - Skeet, I (1947) Muscat and Oman, The end of an era, Faber & Faber, London.
 - Al-Qasimi, Sultan Muhammad (1996) Omani – French Relations, 1715-1900, B.R.Pridham , Forest Row.
 - Kumar, R (1965) India and the Persian Gulf Region (1858 – 1907) , A Study in British Imperial Policy, Asia Publishing House, London.